



تحریم‌های جدید علیه ایران

وزارت خارجه استرالیا از وضع تحریم‌های تازه علیه برنامه موشکی و پهپادی ایران خبر داد و اعلام کرد پنج فرد و سه نهاد ایرانی را به فهرست تحریم‌های خود اضافه کرده است. براساس این بیانیه، امیر سرتیپ «محمدرضا آشتیانی»، وزیر دفاع ایران و سردار سرتیپ «اسماعیل قالی»، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست افراد تحریم‌شده قرار دارند. استرالیا در این دور از تحریم‌ها در مجموع پنج فرد و سه نهاد مرتبط با برنامه موشکی و پهپادی ایران را تحریم کرد و این بار قدرت نظامی ایران را «عامل بی‌ثباتی منطقه» عنوان کرد. این اقدام خصمانه دولت استرالیا که نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هم شامل می‌شود، در مجموع تحریم‌های این کشور علیه ایران را به ۹۰ فرد و ۱۰۰ سازمان می‌رساند. در بیانیه وزارت خارجه استرالیا آمده است: «این اقدام در پیروی از تحریم‌هایی است که شرکای ما در هفته‌های اخیر در واکنش به حمله پهپادی و موشکی بی‌سابقه ایران به اسرائیل وضع کردند.»



روابط راهبردی با هند

سارباناندا سونوال، وزیر بنادر، کشتیرانی و آبراهه‌های جمهوری هند که جهت حضور در مراسم امضای قرارداد بلندمدت همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و هند به تهران سفر کرده است، با امیرعبداللّه‌یان، وزیر امور خارجه کشورمان دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار وزیر امور خارجه کشورمان اظهار داشت: رویکرد ما به روابط با هند راهبردی است و آمادگی داریم در ظرفیت‌های دوجانبه و چندجانبه و در چارچوب سازمان‌های بریکس و شانگهای همکاری‌های خود را با هند بیش از پیش گسترش دهیم. امیرعبداللّه‌یان با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران هند را شریکی قابل اعتماد می‌داند، بر رویکرد کشورمان برای همکاری درازمدت با هند تأکید کرد. وی انتقاد قرارداد تجهیزات و بهره‌برداری از پایانه‌های بندر شهید بهشتی چابهار و تقویت همکاری‌ها در کریدور شمال و جنوب را فرصتی بسیار مهم در گسترش حجم مناسبات تجاری دو کشور و منطقه ارزیابی کرد و آمادگی بخش‌های مختلف دولت ایران در جهت کمک به اجرای این قرارداد را ابراز داشت.

واکنش کنعانی به گراهام

سخنگوی وزارت خارجه نسبت به اظهارات یک سناتور آمریکایی در توجیه و تشویق به کارگیری بمب هسته‌ای توسط رژیم صهیونیستی و واکنش نشان داد. ناصر کنعانی در پیامی در شبکه ایکس نوشت: اظهارات وحشتناک و ناقص تمامی قواعد، ارزش‌ها و اصول بشردوستانه از سوی یک سناتور آمریکایی در توجیه و تشویق به کارگیری بمب هسته‌ای توسط رژیم صهیونیستی، نشان از میزان توخشی این طیف جنگ‌طلب و بی‌اعتنایی کامل آنها به حق حیات انسان‌ها و عدم احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد.

آکهی فقدان سند مالکیت

بدینوسیله اعلام می‌گردد برگ سبز و سند کمپانی و کارت خودرو نپسان دوگانه‌سوز آپشنال به شماره پلاک ۸۷۵ ی ۸۴ ایران ۴۰ مدل ۱۴۰۰ به شماره موتور ۲۳۴۸۵۰۴۰۹۲ nazpl۱۴۰bm۰۶۲۴۰۴۷ شماره شاسی به رنگ آبی به مالکیت خانم لیلیا زینلی به شماره ملی ۴۹۲۰۴۸۷۹۷ صادره از ری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کاوه فرمانفرمائیان هفت سالی بیشتر طول نکشید و نسرين فرمانفرمائیان حاصل این ازدواج بود. او مدتی بعد با علیرضا هروی دیپلمات و قائم‌مقام وزارت خارجه ازدواج کرد و محمدرضا هروی حاصل این ازدواج بود. اما ازدواج سوم حمیده عضدی تا زمان مرگش در سال ۱۳۹۳ در لندن با مهندس ماجراجوی ایرلندی پایدار ماند. با مرگ پدر، ارث بزرگی از املاک وسیع شاهروید و ولی‌آباد تهران به حمیده و عزیزه رسید و حمیده در خانه مجلل پدری خود در تهران میزبان مهمانان ایرانی و خارجی خود بود. بیان بوهلر، مهندس ایرلندی که جوانی خوش‌تیپ و ماجراجو بود و پروژه‌های مهندسی مختلفی را در جهان اجرا کرده بود به امید برخورداری از پروژه‌های هنگفت نفتی ایران عازم تهران شده بود که به مهمانی‌های حمیده وارد و دل او را ربود. بوهلر که در تهران یک مؤسسه پیمانکاری مهندسی به ثبت رسانده بود از طریق او توانست قرارداد بزرگ احداث خط لوله گاز از اهواز به آستارا و فروش گاز به شوروی را به دست بیاورد. خط لوله زودتر از موعد به پایان رسید و با حضور پادشاه ایران و پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی شوروی در زمان برتف افتتاح شد و در ازای آن نیز شوروی با ساخت کارخانه ذوب‌آهن آرزوی قدیمی ایرانیان را برآورده کرد. این پروژه که به خط لوله اول سراسری گاز ایران موسوم شد، از خطوط لوله سراسری انتقال گاز طبیعی در ایران است که از چاه‌های مارون آغاچاری و اهواز به پالایشگاه بیدلند در بهمپان آغاز شده و پس از عبور از آستارا، تا شهر حاجی‌قاپول در کشور جمهوری آذربایجان با قطر ۴۲ اینچ و فشار ۱۰۰۰ پوند بر اینچ مربع امتداد یافت. خط لوله در سال ۱۹۶۵ میان ایران و شوروی مورد توافق قرار گرفت و در اکتبر ۱۹۷۰ در آستارا توسط محمدرضاپهلوی و نیکلای پادگورنی، رئیس هیئت‌رئیس‌ه شوروی افتتاح شد. میان سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹، گاز طبیعی جمهوری‌های قفقاز جنوبی شوروی توسط این خط‌لوله تأمین شد. در ازای آن شوروی متعهد شد که ذوب‌آهن اصفهان را احداث نماید و فناوری ماشین‌سازی صنایع سنگین را به ایران منتقل نماید که خود به تأسیس ماشین‌سازی اراک منجر شد. پس از انقلاب اسلامی، تأمین گاز توسط ایران متوقف شد. این پروژه مهم‌ترین قرارداد اقتصادی میان ایران و شوروی در زمان پهلوی بود و زمینه انتقال تجهیزات شوروی به ایران را فراهم کرد. شش‌به‌شش سال پس از پایان این قرارداد، شوروی متعهد شد که طرفین مذاکرات درباره آن به توافق رسیده بودند لغو و قیمت گاز برای شوروی کاهش یابد. این طرح را می‌توان به لحاظ تاریخی و تکنولوژیک، پایه و اساس صنعت گاز ایران تلقی کرد. ایران با این پروژه صادرات سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز به شوروی را از اوایل دهه ۵۰ خورشیدی به مدت ۷ سال آغاز کرد. با آغاز انقلاب، نه‌تنها این صادرات متوقف شد، بلکه برنامه ایران با اتحادیه جماهیر شوروی برای انتقال گاز به اروپا نیز متوقف شد. آن زمان قرار بود گاز ایران به مدت ۲۰ سال از خاک اتحادیه جماهیر شوروی به اروپا منتقل شود. روزنامه ایندپندنت در هنگام مرگ بوهلر از وی به‌عنوان یک مهندس معجزه‌گر و ماجراجو یاد کرد که پروژه هشتصد میلیون دلاری انتقال گاز را اداره کرد که ده کمپرسور در بین راه داشت تا آن را از ارتفاع ۱۴ هزار پایی کوه‌های زاگرس عبور دهد؛ کاری که پیش از آن هیچ‌کس داخلی گرفت و به‌صورت تخصصی این صنعت را در ایران پی گرفت. او مهمانی‌های مجللی را در تهران برگزار می‌کرد که محل ملاقات هنرمندان و دیپلمات‌های خارجی و رجال دولتی بود و بسیاری از زده‌بند‌های سیاسی در همین مهمانی‌ها شکل می‌گرفت؛ از جمله مهم‌ترین این زده‌بند‌ها پروژه‌ای بود که به شوهر ایرلندی هاموش و آگدار شد. حمید عضدی که در ماموریت‌های پدرش با زبان‌های آلمانی و انگلیسی و اسپانیایی آشنا شده بود، در نمایشنامه‌های معمولاً کم‌مدی منظوم که در مهمانی‌ها اجرا می‌کرد، به همه این زبان‌ها شعر می‌گفت و شعر می‌خواند. اولین ازدواج هاموش، با همکلاس مونیخ خود

باشد، شرکت نمی‌کند و نخواهد کرد. با ابتکار ایران، از آذر ۱۳۳۷ تا بهمن ۱۳۳۸ مذاکراتی برای معاهده دوستی و عدم تجاوز با اعتبار ۲۰ ساله بین دو کشور انجام شد. تهران در این روند خواستار اصلاحیه در متن معاهده دوجانبه را داشت که ایران در صورت مشارکت در پیمان بغداد با تحریم‌هایی مواجه خواهد شد، اما شوروی از امضا امتناع کرد. مذاکرات متوقف شد و ایران «دکترین آیزنهاور» را به مرحله اجرا درآورد. رئیس‌جمهوری وقت آمریکا در دکتین خود با اشاره به تهدید شوروی اعلام کرده بود که نیروهای آمریکایی برای «تأمین و حفاظت از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورهای نیازمند به کمک در مقابل تجاوز نظامی کشورهای تحت کنترل کمونیسم بین‌الملل» آمادگی کامل دارد. در این راستا، تهران و واشنگتن ۱۴ اسفند ۱۳۳۷ توافقنامه دوجانبه نظامی امضا کردند که نیروهای مسلح آمریکا این امکان را داشتند که از خاک ایران استفاده کنند. این مسئله به یکی از بزرگ‌ترین دوران تشدید روابط ایران با همسایه شمالی منجر شد و امکان قطع کامل روابط را به مرز یک تار موی رساند. واکنش مسکو نسبت به پیمان ایران و آمریکا منفی بود. نیکیتا خروشچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی که از سیاست تهران بسیار خشمگین شده بود، با اشاره به فصل ششم پیمان ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین مسکو و تهران به شاه یادآور شد که «دولت شوروی حق دارد نیرو به خاک ایران اعزام کرده تا برای دفاع از خود اقدامات لازم را به عمل آورد». در نهایت در ۱۵ سپتامبر ۱۳۴۱، یادداشت‌هایی بین دو کشور مبادله شد و ایران اطمینان داد که «به هیچ‌کسوری امکان ایجاد و استقرار هیچ نوع پایگاه موشکی در خاک خود را نمی‌دهد». دولت شوروی از این موضع استقبال کرد و در مبادله یادداشت‌ها، طرف ایرانی با بیان شفاهی، رسماً اعلام کرد «هرگز اجازه نخواهد داد ایران به ابزاری جهت تجاوز به اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شود». این وضعیت آغازگر بهبود روابط دوجانبه شد و در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران مجموعه‌ای از توافق‌ها مانند اقتصادی، فناوری، نظامی-فنی، علمی، همکاری‌های فرهنگی و آموزش‌های صنعتی-فنی اجرا شد که در یکی از مهم‌ترین آنها حمیده عضدی دختر بی‌داله عضدی حضور پررنگ و با اهمیت داشت.

حمیده عضدی و قرارداد گازی با شوروی

خاندان عضدی از ثروت چیزی کم نداشت اما هزینه‌های گزاف زندگی اشرافی آنان منابع جدید درآمدی نیاز داشت. حمیده عضدی که در ماموریت پدرش در واشنگتن با صنعت مڈ آمریکا پیوند خورد و خودش نیز مدتی مدل لباس بود، از معتبرترین مدرسه طراحی نیویورک - پرات - دیپلم طراحی داخلی گرفت و به‌صورت تخصصی این صنعت را در ایران پی گرفت. او مهمانی‌های مجللی را در تهران برگزار می‌کرد که محل ملاقات هنرمندان و دیپلمات‌های خارجی و رجال دولتی بود و بسیاری از زده‌بند‌های سیاسی در همین مهمانی‌ها شکل می‌گرفت؛ از جمله مهم‌ترین این زده‌بند‌ها پروژه‌ای بود که به شوهر ایرلندی هاموش و آگدار شد. حمید عضدی که در ماموریت‌های پدرش با زبان‌های آلمانی و انگلیسی و اسپانیایی آشنا شده بود، در نمایشنامه‌های معمولاً کم‌مدی منظوم که در مهمانی‌ها اجرا می‌کرد، به همه این زبان‌ها شعر می‌گفت و شعر می‌خواند. اولین ازدواج هاموش، با همکلاس مونیخ خود



وقتی که رفتیم شرفیاب شدیم خدمت‌اعلی حضرت، اعلی حضرت

دستوراتی به او دادند، من جمله گفتند که «توجه داشته باشید که شما وزیر من هستید». به ایشان عرض کردم که «قربان همه‌ی وزراء وزیر اعلی حضرت هستند چه تفاوتی در بین هست؟» گفتند «نه نه نه باید گزارشات را به خودم بدهید» گفتیم «البته هر موقع امری بفرمایید هر یک از وزراء گزارشی به عرض برسانند قطعاً به عرضتان می‌رسانند» گفتند «نه تو باید بدانی که هر روز گزارشات را به خود من بدهی». من دیگر چیزی نگفتم آمدم بیرون بعد عضدی به من گفت «من می‌دانم که اعلی حضرت چه جور فکر می‌کنند و چی منظورشان بود ولی شما هم نگران نباشید من هر وقت که شرفیاب می‌شوم (در واقع هر روز وزیر خارجه شرفیابی داشت می‌رفت گزارشات تمام سفر را می‌برد آنجا می‌داد و دستور می‌گرفت و بعد روی آن اقدام می‌کرد.) می‌آیم پیش شما گزارشات مربوط به سفر را هم به شما می‌دهم.» من گفتم خیلی خوب من به شما اعتماد کامل دارم و هیچ نگرانی از این بابت ندارم. ولی این اظهار اعلی حضرت یک قدری اسباب تعجب من شد زیرا دیگران هم نسبت به اعلی حضرت صیق هستند و خدمت‌گزارند و تفاوتی بین وزراء از این بابت نمی‌توانند باشند. ولی به هر حال این اظهار را ایشان کردند تا قدری تسجیل بکنند به اینکه وزارت خارجه را خودشان زیر نظر دارند.»

از این گزارش بر می‌آید که عضدی بدون هیچ آمادگی و زمینه‌ای به وزارت امور خارجه برگزیده شد. هر چند عضدی قبلاً در کابینه قوام و سهیلی وزیر راه شده بود و حتی پیشتر از سوی محمدعلی فروغی به‌عنوان وزیر دارایی معرفی شده بود اما می‌توان حدس زد که او از مهارت‌های لازم برای وزارت امور خارجه آن هم زیر نظر مستقیم شاه برخوردار نبود و شاید همین موضوع علت دوران کوتاه وزارتش شد و البته مرگش در ماموریت بعدی نیز اجازه نداد تا شانس دوباره‌اش را برای وزارت امتحان کند. البته عضدی در دوران وزارت امور خارجه خود حتماً با نظارت و هدایت خود محمدرضا شاه پیگیر دغدغه چندساله شاه یعنی تلاش برای بهبود روابط ایران و شوروی بود. از زمان پیوستن ایران به پیمان سنتو در سال ۱۳۳۴ روابط ایران و شوروی رو به وخامت گذاشته بود و تبلیغات رادیو مسکو علیه ایران موجب نگرانی شخصی شاه شده بود. او از زمان وزارت علی اصغر خان حکمت در کابینه منوچهر اقبال به دنبال حل این مشکل بود. ابتدا پیشنهاد شکایت از شوروی به شورای امنیت را مطرح کرد که با پاسخ جلال عبده، وزیر پیشنهادی اقبال متوجه شد این امر سودی نخواهد داشت. غلامعباس آرام نیز تحت نظارت خود شاه ماموریت حل مشکل روابط با شوروی را پیگیری کرد و در نهایت این مهم به یدالله عضدی رسید. حل‌تلاش‌ها در روابط با شوروی یک روند چندساله را طی کرده بود و دوران وزارت عضدی نیز در این میانه قرار گرفته است.

محمدرضا شاه سال ۱۳۳۵ در سفر به مسکو اطمینان داد که بستنی یک پیمان دفاعی است و تهران هرگز در هیچ گروه و ائتلافی که ماهیت تهاجمی علیه شوروی داشته

کابینه جعفر شریف‌امامی یدالله عضدی در گوشه سمت راست